



در آموزش و پرورش

ویژگی‌های مطلوب مدیریت

دانش مدیریت، موضوعی است که همراه با زندگی اجتماعی انسان در طول قرون و اعصار مطرح بوده و نقش گردانندگان حوامع در پیشرفت و تکامل انسانها بر همگان مشهود است. مدیریت به مفهوم عام آن در همه سیستمهای اجتماعی، یک مقوله فلسفی عقیدتی است و گرجه در تحقق اهداف خود از روشها و تکنیکهای علمی بهره می‌گیرد.

در اسلام نیز مدیریت مبتنی بر فلسفه و جهان بینی الهی است و ریشه در نظام ارزشی اسلام دارد. اقا برای تحقق هدفهای خود، ممکن است از کلیه روشهای علمی و تکنیکهای موجود به عنوان یک وسیله یا ابزار استفاده نماید.^۱

مدیریت، یکی از مشکل‌ترین و پُرمسئولیت‌ترین حرفه‌های دنیای کنونی است و مدیران واحدهای آموزشی، از پرتلاش‌ترین اعضای جامعه یک کشورند. زیرا مدرسه، کارخانه آدم‌سازی است. انواع آدمها را می‌گردد. تربیتشان می‌کند. تعلیمشان می‌دهد. جان و خردشان را از قوه به فعل در می‌آورد. به تمامی معنی. آنان را می‌سازد و به جامعه انسانی تحویلشان می‌دهد. بدیهی است که ارزشمندی این محصول، بستگی تام به شرایط و زمینه‌های مساعدی دارد که مدیر و معلم برای فردی فراهم کرده باشند. بنابراین، رهبری و مدیریت می‌تواند از محدوده یک انسان آغاز و تا تمامی عالم گسترش یابد. در یک تعریف، می‌توان گفت که مدیریت، عبارت است از «هماهنگ کردن منابع انسانی و مادی برای نیل به هدف» اگرچه در تعریفهای گوناگونی که از مدیریت ارائه داده شده، جنبه هنری آن بر امور دیگر غلبه دارد؛ مثلاً ممکن است، یک معلم خوب و موفق نتواند مدیر خوبی برای اداره یک واحد آموزشی باشد. بدین سبب است که برخی، مدیریت را هم علم می‌دانند و هم هنر و اعتقادشان بر این است که، چنانچه مدیر دارای تجربه کافی باشد و از تکنیک و روشهای علمی نیز استفاده کند، از موفقیت بیشتری در مدیریت برخوردار خواهد بود. آموزش و پرورش کشور ما، برای تعلیم و تربیت بیش از پانزده میلیون دانش آموز بنیادی عظیم به عظمت و گستردگی سراسر کشور، به وجود آورده است. در این راستا، کمتر کسی است که با سازمانی بدین وسعت، پیوندی نداشته باشد. اشراف و اداره چنین بنیاد گسترده‌ای بر عهده مدیران لایق و شایسته است چرا که نظام آموزش و پرورش برای به ثمر رساندن برنامه‌های زمان‌بندی شده خود، سرمایه‌گذاری کلانی کرده است. در امر مدیریت آموزش و پرورش، وظایف در اولویت قرار دارند که از آن جمله می‌توان به برنامه‌ریزی، سازماندهی، بکارگیری نیروها، هدایت، هماهنگی، کنترل، گزارش کردن امور و بودجه‌بندی اشاره کرد. اتکاء مدیر در امور مربوط به کار خود، منبئ بر اطلاعات و تئوریهایی است که قبلاً به اثبات رسیده و به صورت

یک قانون بافرمول و روشی است که انسان بدون در نظر گرفتن آنها، قادر به اداره یک مؤسسه نیست. مثلاً برای اداره یک محیط آموزشی نیاز به نیروهای منحصصی است که بدون وجود آنها، ادامه کار ناممکن می‌گردد. یک مدیر موفق باید توجه به تمام جوانب اجزای مدیریت داشته باشد و آن را ثابت و لازم بداند.

برخی برای مدیریت در سازمانهای آموزشی، سه بینش را در نظر گرفته و از آن بهره می‌جویند: ۱- راضی کردن یا قانع کردن ۲- بهینه‌سازی ۳- سازگاری و توافق^۲.

به طور کلی، سه انگیزه یا بینش غالب در برنامه‌ریزی وجود دارد که هیچ‌یک از آنها به طور یک جانبه و مطلق به کار نمی‌روند، بلکه معمولاً ترکیبی از آنها در عمل تحقق پیدا می‌کند. در مدیریت سازمانهای آموزشی، برای آماده‌سازی نیروهای انسانی آموزش دیده، سالها وقت لازم است و عامل مالی به تنهایی نمی‌تواند، زمان این آموزشها را از حد معینی کوتاه‌تر سازد. دومین بینش در برنامه‌ریزی آموزشی، رسیدن به وضعی مطلوب است که تا حد ممکن باید خوب باشد.

در سیستم مدیریت، معمولاً دو دسته توقعات خودنمایی می‌کند: یک دسته، پاسخ‌گویی به انتظارات محیط و دسته‌ای دیگر، پاسخ‌گویی به خواسته‌های سیستم آموزشی است. یک مدیر که برای خیر و صلاح جامعه، مجموعه‌ای از اهداف یا مقاصد را تعقیب می‌کند باید علاوه بر داشتن علم مدیریت، از عوامل هنر در کار خود که همان مهارت در کارآیی از طریق تجربه، مطالعه و مشاهده است بهره جوید. چنین مدیرانی که مسئولیت اداره واحدهای آموزشی را در کشور دارند باید در امر مدیریت از ویژگیهای مطلوب سود جسته تا شاهد توفیق در کار خود باشند.

یک مدیر در محیط آموزشی با عوامل انسانی گوناگون از جمله: معلمان، اولیا و مربیان، دانش‌آموزان و... سروکار دارد. با توجه به بُعد دیگر آن که خانه و مدرسه است، ایجاد روابط حسنه ما بین این عوامل، نگرشی وسیع را طلب می‌کند، که یک مدیر لایق با سعه صدر و با استقامت و کاردانی و علم و هنر مدیریت، می‌تواند آن را به انجام رساند. او باید چنان پُلی

نیرومند و شکست‌ناپذیر مابین خانه و مدرسه و اجتماع ایجاد کند که صدمه‌ای به کسی وارد نشود. در این رابطه، اولیاء، معلمان، مربیان، کادر امور اداری و کسانی که به نحوی از انحاء در چرخش سیستم آموزشی یک آموزشگاه مؤثرند. بازوان توانایی هستند که از یک طرف، مدیر و از جهت دیگر، دانش‌آموز را بازی می‌دهند. در بنای این هرم آموزشی که مدیر در رأس و دانش‌آموز در قاعده آن قرار دارد، هر یک به سهم خود، وظایفی دارند که قصور در انجام آن، اختلالی را به همراه خواهد داشت. امر مدیریت در آموزش و پرورش کشور، در نهایت، پرورش و آموزش نوجوانان و جوانان کشور است که می‌بایست، این قشر عظیم را در مدنظر داشته و از نقطه نظرهای آنان آگاهی یابیم.

ویژگیهای مطلوب مدیران مدارس را از دیدگاه دانش‌آموزان (به طور تقریبی) می‌توان به شرح زیر جمع‌بندی و خلاصه کرد:

الف: ویژگیهای فردی

- ۱- با عظوفت و مهربان بودن
- ۲- بُرنلاش و فعال بودن
- ۳- مندین و مؤمن بودن
- ۴- دلسوز بودن
- ۵- خوش اخلاق، خوش رفتار و متبسم باشد.
- ۶- فداکار و از خود گذشته باشد.
- ۷- کاردان و با تدبیر باشد.
- ۸- صبور و شکیمنا باشد.
- ۹- احساس مسئولیت داشته و بد و وظایف خود عمل نماید.
- ۱۰- منظم و دقیق بودن
- ۱۱- الگو و سرمشق برای دانش‌آموزان و معلمان باشد.
- ۱۲- مغرور و متکبر نبوده، با به یای دیگران به کار بپردازد.
- ۱۳- متواضع، منین، با وقار و فروتن باشد.
- ۱۴- راستگو، صادق و درستکار باشد.
- ۱۵- عاشق و شیفته حرفه خود باشد.
- ۱۶- قاطع و جدی بودن
- ۱۷- ساده پوش بودن



ب: چگونگی رفتار و روابط مدیر با معلم

- ۱- اسوه و سرمشق بودن برای معلمان.
- ۲- درک مسائل معلمان و حلال مشکلات آنان بودن.
- ۳- دوست بودن با معلمان.
- ۴- آگاه بودن از روش تدریس معلمان و نظارت بر کار آنان.

۷- در انتخاب معلمان مدرسه، دقت کافی از هر جهت مذبول نماید.

* چگونگی کار مدیر با انجمن اولیا و مربیان

- ۱- جلب توجه اولیا و مربیان نسبت به مسائل دینی، تربیتی، اخلاقی و مشاوره با آنان به منظور هماهنگ کردن روشهای آموزشی، تربیتی و... در مدرسه.
 - ۲- ایجاد و تحکیم پیوندهای انسانی بین اولیا و مربیان.
 - ۳- ایجاد فعالیت‌های بهداشتی و درمانی.
 - ۴- جلب کمکهای مردمی از اولیا و افراد خیر، جهت تکمیل امکانات آموزشی و پرورشی در مدرسه.
- اشراف بر این شرایط در یک محیط فرهنگی، مدیری را می طلبد که با دیدی وسیع به نسل آینده بنگرد و به این فرموده پیغمبر(ص) اعتقادی راسخ داشته باشد: «من سن سنة حسنة فله اجره و احرم عمل بهالی بود القامة» (القبة) (هرکس سنه نیکویی را بنیان نهد، اجر این کارش، برای اوست و اجر هر کسی که بر این سنت نیکو عمل کند تا روز قیامت).
- با توجه بدین مطالب، به خوبی درمی یابیم که موفقیت یک مدیر در مقاطع گوناگون آموزشی، بستگی تام به ویژگیهای

ج: چگونگی رفتار مدیر با دانش آموزان

- ۱- به مشکلات و مسایل دانش آموزان رسیدگی کرده و راهنمای آنان باشد.
- ۲- با رفتار انسانی و درست، علاقه و احترام دانش آموزان را نسبت به خود جلب نماید.
- ۳- دانش آموزان را فرزندان خود تصور نماید.
- ۴- روانشناس بوده، به تربیت، احساسات، شخصیت و استعداد دانش آموزان توجه نماید.
- ۵- دانش آموزان را در امور مختلف نصیحت کرده و درس زندگی، امید و استقامت بدهد.
- ۶- با دانش آموزان، دوست و صمیمی باشد.
- ۷- با روشهای گوناگون، دانش آموزان را تشویق به درس خواندن کرده و در نتیجه موجب افزایش معلومات و درصد قبولی آنان باشد.



فردی، چگونگی رفتار و داشتن روابط حسنه با معلمان، نحوه عمل و رفتار با دانش آموزان، کیفیت کار با انجمن اولیا و مربیان و در نهایت ارتباط با مدرسه از جمیع جهات دارد.

منش او کانونی است برای احراز هویت سایر شخصیت‌های چهارگانه فوق. اوست که در صورت داشتن هنر مدیریت، می تواند علم و معلم و متعلم را تعالی بخشد. دین و دانش را در نهادشان به ودیعت گذارد. نه فله‌های شکوهمند کمال رهنمونشان سازد. تا دست از مس وجود بشویند و کیمیای عشق بیابند و زر شوند. رهسپار شهر علم گردند و بر درش تکیه زنند و ندای حق را در فضای ملکوتی آن بشنوند.

باشد که نسل پویا و مکتبی امروز، تحت مدیریت مدیران لایق و متعهد آموزش و پرورش بتوانند در عصر انقلاب، سیر ترقی و تعالی را بیابند.



منابع:

- ۱- مدیریت اسلامی، دکتر سید علی اکبر افندی، انتشارات جهاد دانشگاهی - ۱۳۶۴
- ۲- جزوات مدیریت، دکتر عبدالله حاسبی، انتشارات دانشگاه آزاد.
- ۳- ویژگیهای مطلوب مدیران از نظر دانش آموزان، گروه فرهنگی اجتماعی برنامه معلم - مرداد ماه ۶۸ - سمای جمهوری اسلامی ایران.

- ۸- سرمشق و الگو بودن برای دانش آموزان.
- ۹- فعالیتها، مسابقات علمی، ورزشی و هنری برای دانش آموزان تدارک ببیند.
- ۱۰- در برابر اشتباهات دانش آموزان، گذشت داشته باشد.
- ۱۱- اوقات فراغت خود را با دانش آموزان گذرانده و در حوار آنان باشد.
- ۱۲- بین دانش آموزان، تبعیض و تفاوت قائل نباشد.
- ۱۳- فضای آموزشگاه را برای دانش آموزان، مملو از مهر و محبت نماید.
- ۱۴- به دانش آموزان و آینده آنان علاقه مندی نشان دهد.

* ارتباط کار مدیر با مدرسه

- ۱- نوایابی اداره مدرسه را داشته باشد.
- ۲- داشتن استقامت در برابر مشکلات مدرسه.
- ۳- قوانین مدرسه را محترم شمرد.
- ۴- امکانات رفاهی و بهداشتی مدرسه را افزایش دهد.
- ۵- احترام و ارزش همه افراد را در مدرسه حفظ کند.
- ۶- مدرسه را محلی امن برای معلم و دانش آموز بنماید.